

ماهیت تعهدات حقوق بشری

در

نظام بین‌المللی

مؤلف

دکتر هاله حسینی اکرنژاد

تهران-۱۳۹۵

سرشناسه	حسینی اکبر نژاد، هاله، ۱۳۶۰
عنوان و نام پدیدآور	ماهیت تعهدات حقوق بشری در نظام بین‌المللی / مولف: هاله حسینی اکبر نژاد.
مشخصات نشر	تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهشهای حقوقی شهر دانش، ۱۳۹۵.
مشخصات ظاهری	۵۳۳ ص، ۲۱×۲۸، ۴۰۰، ۸۰۴۰-۶۰۰-۹۷۸-۳۰۰۰۰۰۰۰ ریال
شابک	۹۷۸-۶۰۰-۸۰۴۰-۴۰۰-۸
وضعیت فهرست نویسی	فهرست شده
یادداشت	کتابنامه
موضوع	حقوق بشر
موضوع	Human rights
موضوع	حقوق بین‌الملل
موضوع	International law
موضوع	تعهدات بین‌المللی
موضوع	International obligations
ردیفی کنگ	۱۳۹۵، ۵م ۲، JC۵۷۱
ردیفی دی	۳۴۱/۴۸
سماره فصلنامه	۴۴۲۶۷۰۹

با مراجعه به فروشگاه اینترنتی شهردانش از مزایای خرید آنلاین و تخفیف ویژه برخوردار شوید

www.shahredanesh.com

عنوان: ماهیت تعهدات حقوق بشری در نظام بین‌المللی

ناشر: مؤسسه مطالعات و پژوهشهای حقوقی شهر دانش

نوبت چاپ: اول

تاریخ چاپ: ۱۳۹۵

شمارگان: ۱۰۰۰

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۰۴۰-۴۰۰-۸

بها: ۳۰.۰۰۰ تومان

حق چاپ محفوظ است.

تهران - خیابان کریم خان زند - خیابان ستایی - خیابان نهم - خیابان گیلان - بلاک ۵

کدپستی: ۱۵۸۵۷۴۳۱۱۱ صندوق پستی: ۱۵۸۷۵/۴۵۳۹ تلفن: ۸۸۸۱۱۵۸۱ شماره: ۸۸۸۱۱۵۸۰

Website: www.sdil.ac.ir

Email: publication@sdil.ac.ir

سخن ناشر

توسعه ادبیات حقوقی در هر کشور، نقش مهمی در پیشرفت نظام حقوقی آن کشور ایفا می‌تواند. اندیشمندان و پژوهشگران دنیای بیکران حقوق، که شیفته نظم‌اند و به بازنگری آموزه‌های علمی و تجربیات عملی خویش را به جامعه حقوقی عرصه می‌دانند، نا بهمانند در تثبیت و تنویر نظم اجتماعی و استقرار عدالت و اصلاح و پیشرفت کشور سرگرم می‌گردند.

قانونگذار فهیم و آگاه هیچ‌گاه در مقام تهیه پیش‌نویس و مهیا شدن جهت وضع قانون، خود را بی‌نیاز از ادبیات و دکتترین حقوقی کشور و مشورت با خبرگان نخواهد یافت، و هیچگاه مصوبات قاضی خویش را دانی و مصون از نقد و اصلاح قلمداد نخواهد نمود. قضات متخصص و عدالت‌پیشه نیز نقد علمی و منصفانه آرای خود را مایه تکامل و پیشرفت می‌دانند.

دانشکده‌های حقوق و حوزه‌های علمیه که به مأموریت تطبیق تربیت قضات، وکلا، مشاوران حقوقی، سردفتران، پژوهشگران، و اساتید حقوقی و فقه همت می‌گذارند علاوه بر اینکه از آموزه‌های علمی و قضایی کشور بسیار بهره‌ر می‌برند متقابلاً رسالت مهمی در غنی‌سازی ادبیات و دکتترین حقوقی کشور بر عهده دارند.

جمهوری اسلامی ایران به ویژه در دو دهه اخیر پیشرفت قابل توجهی در توسعه کمی ادبیات حقوقی کشور را شاهد بوده است. تعداد کتب و نشریات حقوقی منتشره در کشور طی بیست سال اخیر، به نسبت گذشته به مراتب افزایش یافته است. این دستاورد را باید به فال نیک گرفت و امیدوار بود که این

پیشرف کمی به همین میزان با توسعه‌ای کیفی در بارور شدن دگرزین حقوقی مورد نیاز کشور همراه باشد و با احترام به حقوق مالکیت فکری دیگران انتشار یابد.

انتشارات مؤسسه مطالعات و پژوهشهای حقوقی شهردانش که همواره سعی داشته است علاوه بر انتشار آثار حاصل از تحقیقات پژوهشکده حقوق، به صورتی هدفمند و با ارزیابی علمی به گزینش و چاپ و انتشار کتابهای حقوقی در حوزه‌ها و موضوعات مورد نیاز جامعه حقوقی کشور مبادرت ورزد، زحمات سرکارخانم دکتر هاله حسینی اکبرنژاد در تألیف کتاب «ماهیت تعهدات حقوق بشری در نظام بین‌المللی» را ارج نهاده، امیدوار است این کتاب مورد استقبال جامعه حقوقی کشور و مورد استفاده متولیان امر قرار گیرد.

وحید اشتیاق

فهرست مطالب

.....	سخن ناشر	۷
.....	پیشگفتار	۱۹
.....	مقدمه	۲۱
.....	فصل اول: مبانی نظری - تم تقابل در نظام بین‌المللی	۳۳
.....	مبحث اول: حقوق بین‌الملل، حقیقت نیاد یا غیرتبادلی؟	۳۴
.....	گفتار اول: جایگاه تقابل در روش‌شناسی تئوری و تکامل حقوق بین‌الملل	۳۵
.....	الف: مفهوم تقابل	۳۵
.....	ب: تقابل در منابع حقوق بین‌الملل	۳۷
.....	۱- عرف	۳۸
.....	۲- معاهدات	۴۰
.....	۳- اصول کلی حقوقی	۴۴
.....	۱-۳- مبنای اصول کلی: وجدان حقوقی مشترک تمام حاکمان و طبیعت	۴۷
.....	۲-۳- اجتماع حوامع انسانی	۴۷
.....	۱-۳-۲- افهام اصول کنی حقوقی	۴۸
.....	۲-۳-۳- اهمیت اصول کنی حقوقی	۴۹
.....	۴- اقدامات یکجانبه	۵۱
.....	ج- کارایی تقابل به عنوان ضمانت اجرای حقوق بین‌الملل	۵۵
.....	گفتار دوم: تأثیر انسانی شدن حقوق بین‌الملل بر نظام تقابل	۵۸
.....	الف: تعدیل و تحدید مفهوم حاکمیت در برنو انسانی شدن حقوق بین‌الملل	۵۹
.....	۱- ارتقای جایگاه کرامت انسانی در نظام حقوق بین‌الملل معاصر	۶۳
.....	۲- ایده حاکمیت مسئول	۶۳

۳. برابری حاکمیتها مبنای تقابل در نظام بین‌المللی ۶۶
۴. تحول نقش اراده و رضایت دولت‌ها در جامعه جهانی ۶۸
- ب. نمود انسانی شدن در برخی حوزه‌های حقوق بین‌الملل ۷۲
- گفتار سوم: سیر تحول تاریخی جامعه جهانی (مفهوم بشریت) ۷۵
- الف. مبنای فلسفی حقوق بین‌الملل: مقوم عدم تقابل ۷۶
۱. رضایت دولت‌ها و تعهدات متقابل ۸۱
۲. تعهدات ناشی از عضویت در جامعه بین‌المللی ۸۲
- ب. کارکردهای حداقل‌های اخلاقی در جامعه بین‌المللی ۸۳
- ج. مفهوم جهانشمولی حقوق بین‌الملل ۸۵
- گفتار چهارم: مفهوم جامعه بین‌المللی و روند رو به تکامل آن ۸۸
- الف. رتبه‌های اجتماعی و حقوقی: مبنای شناسایی جامعه بین‌المللی ۹۶
- ب. جامعه بین‌المللی: دلالت بر تعادل و تعامل منافع ۹۸
- ج. تأیید حقوق بین‌الملل از منافع جامعه در جارجویی مبتنی بر عدم تقابل ۹۹
- د. موارد دفع حربه و منافع فردی (دولت‌ها): از تقابل به سوی عدم تقابل ۱۰۱
- هـ. عوامل اثررسان جامعه بین‌المللی معاصر ۱۰۵
۱. توافق حداقلی در میان ارزش‌های بنیادین ۱۰۶
۲. ارزش‌های جایگاه افراد و جامعه بین‌المللی ۱۰۷
- و. احساس با برداشت عمومی در مورد جامعه بین‌المللی ۱۰۸
- ز. وابستگی متقابل و ملزومات آن در نظام بین‌المللی معاصر ۱۰۹
۱. تحول مفهوم حسن همجواری در رویکرد وابستگی متقابل ۱۱۱
۲. مفهوم خیر مشترک جهانی ۱۱۲
۳. مفهوم نظم عمومی بین‌المللی ۱۱۵
۴. حکومت قانون ۱۱۸
۵. عدالت ۱۲۰
- مبحث دوم: شناسایی تعهداتی در قبال افراد بشر: نقطه اوج عدالت در نظام بین‌المللی ۱۲۱
- گفتار اول: حقوق بشر: حقوق بین‌الملل حمایت از انسان و نه دولت ۱۲۱
- الف. تفاوت موضوع در حقوق بین‌الملل و حقوق بشر ۱۲۳
- ب. مبنای الزام‌آور بودن قواعد بنیادین حقوق بشر ۱۲۴

گفتار دوم: مفتضبات رژیم‌های خودبسته: بازنگری در رعایت تعادل	۱۲۷
الف- جایگاه رژیم‌های خودبسته یا خوداجرا در حقوق بین‌الملل	۱۲۸
ب- رژیم‌های خودبسته متأثر از تحول در مفهوم نظم حقوقی بین‌المللی	۱۳۱
ج- جایش خودبسته بودن نظام حقوق بشر یا شکنجی تضمین عدم تعادل	۱۳۲
۱- کارائی مکانیسم حمایت از حقوق بشر	۱۳۳
۲- تفاوت تعادل به عنوان ویژگی سبکی یا ویژگی ماهوی	۱۳۷
۳- راهکار حمایت از حقوق بشر: اقدام متقابل یا اقدام یکجانبه	۱۳۷
مبحث سوم: رخی از مهم‌ترین جلوه‌های عدم تعادل در حقوق بین‌الملل معاصر	۱۴۰
گفتار اول: سلسله مراتب قواعد و تعهدات بین‌المللی	۱۴۰
الف- جایگاه قواعد آمره	۱۴۱
ب- تعهدات عام‌الاجمالی یا در فبال کل جامعه بین‌المللی	۱۴۳
۱- ویژگی تعهدات عام‌الاجمالی	۱۴۵
۲- مبنای تعهدات عام‌الاجمالی: اولویت هنجارهای جهانی	۱۴۷
۳- فلرموی اقدام دولت‌ها در قبال تعهدات عام‌الاجمالی	۱۴۸
گفتار دوم: عدم تعادل در نظام حقوق بین‌الملل محیط زیست	۱۵۲
الف- حقوق بین‌الملل محیط زیست مشترک یا «مستترک جهانی»	۱۵۳
ب- حمایت از امنیت و کرامت انسانی در برابر نقضت از محیط زیست	۱۵۶
ج- رابطه حقوق بین‌الملل محیط زیست و نظام حقوق بشر	۱۶۰
د- مبنای مسئولیت متقابل در حقوق بین‌الملل محیط زیست	۱۶۳
ه- اجرای حقوق جهانی محیط زیست، دغدغه مشترک جهانی	۱۶۳
گفتار سوم: تحولات نظام مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها	۱۶۴
الف- توسعه مفهوم «دولت زیان‌دیده» در برنمو تعهدات غیرمتقابل استانی خامعد	۱۶۶
بین‌المللی	۱۶۶
ب- تحولات حقوق و تعهدات غیرمتقابل دولت‌ها در نظام مسئولیت بین‌المللی	۱۶۸
۱- تعهدات در معادل نقض هنجارهای بنادین جامعه بین‌المللی (ماده ۴۱)	۱۶۸
۱-۱- تعهد به همکاری- تعهدی حقوقی یا هدفی جهانی	۱۶۸
۱-۲- تعهد به امتناع از شناسایی و حمایت	۱۷۱
۲- طرح مسئولیت ناشی از نقض تعهدات متعلق به جامعه بین‌المللی در کل (ماده	۱۷۴

۱۷۵	۲-۱ حق استناد به مسئولیت
۱۷۶	۲-۲ حق متعاضبه توقف و عدم تکرار
۱۷۷	۲-۳ حق مطالبه جبران خسارت
۱۷۹	۳- اقدامات دولت‌های ثالث در واکنش به نقض تعهدات جامعه بین‌المللی (ماده ۵۴)
۱۸۳	۴- حالتی طرح مسئولیت ناسی از نقض تعهدات جامعه بین‌المللی در عمل: تفکیک صلاحیت از مسئولیت
۱۸۹	۵- حرکت نظام مسئولیت بین‌المللی: از دوجانبه‌گرایی و تقابل به سوی چندجانبه‌گرایی
۱۹۰	ج- آیین شکایات بین‌الدولی در معاهدات حقوق بشری مخصص یا مکمل نظام مسئولیت بین‌المللی
۱۹۲	د- بررسی مسئولیت حمایت
۱۹۵	۱- بررسی مسئولیت حمایت: پاسخگویی در قبال حقوق بنیادین بشر
۱۹۷	۲- بررسی خارج از نظام مسئولیت حمایت در برقراری جایگاه حقوق بشر
۱۹۸	۲-۱- تحول به کبری
۲۰۱	۲-۲- مسئولیت جاری و جدید یا بازسازی
۲۰۲	۲-۳- مسئولیت واکنشی
۲۰۴	۳- مسئولیت حمایت در قبال جامعه بین‌المللی و مردم
۲۰۶	۴- مسئولیت حمایت: بلاقی حاکمیت انسانی سده و مداخله بسردوستانه
۲۰۷	۴-۱- ایرادات وارد بر ایده حاکمیت انسانی سده
۲۱۰	۴-۲- تأثیر ایده انسانی شدن حاکمیت مداخله بسردوستانه
۲۱۳	۵- نقش سازمان ملل متحد در تبیین ایده مسئولیت حمایت
۲۱۴	۵-۱- مداخلات غیرمجاز از منظر شورای امنیت
۲۱۵	۵-۲- مداخلات مجاز توسط شورای امنیت
۲۱۷	۶- محدودیت‌های مسئولیت حمایت
۲۱۸	۶-۱- حق تعیین سرنوشت
۲۱۸	۶-۲- حقوق بشر
۲۱۹	گفتار چهارم: عدم تقابل در نظام حقوق بین‌الملل کیفری
۲۱۹	الف- نقش حقوق بین‌الملل کیفری در حمایت از ارزش‌های انسانی
۲۲۲	ب- موضوع حقوق بین‌الملل کیفری: هم دولت‌ها و هم افراد

ج	مفهوم جرایم بین‌المللی: نقض تعهداتی با ماهیت غیر تقابلی	۲۲۵
۱	وجودان مشترک بسریه: مبنای جرایم بین‌المللی	۲۲۵
۲	تحول مفهوم جرایم بین‌المللی در راستای اساسی شدن	۲۲۷
۳	رابطه تنگاتنگ جرایم بین‌المللی و قواعد آمره	۲۲۸
۱-۳	جنایت زنوسید: جنایت علیه حقوق انسان‌ها	۲۲۹
۲-۳	جنایات علیه بسریه	۲۳۰
۳-۳	جرایم جنگی: نقض قواعد مبنایی حقوق پسر دوسانه	۲۳۱
د	عدم تقابل در تعهد دولتها به همکاری	۲۳۲
۱	تعامل میان حاکمیت دولتی و حمایت از ارزش‌های بسری در برنو تعهد به	
	همکاری	۲۳۳
۲	الگو همکاری در دیوان بین‌المللی کیفری	۲۳۴
۳	عدم ایفاء مسئولیت همکاری در تعقیب جنایات بین‌المللی: دغدغه‌های حقوق	
	بشری	۲۳۷
۴	مسئولیت دولتها در همکاری دیگر دولتها	۲۳۸
ه	اصل صلاحیت جهانی: تجلی عدم تقابل در حقوق بین‌الملل کیفری	۲۳۹
۱	صلاحیت جهانی ایزاری برای امنیت از زسدهن اساسی جامعه بین‌المللی	۲۴۰
۲	رابطه صلاحیت جهانی و تعهدات پسر صدان دولتها	۲۴۱
۳	صلاحیت جهانی و تنوری مقابله با دشمن مشترک	۲۴۴
و	نظام مسئولیت مسدد: تضمین عدم تقابل در احترام ایفای بنیادین	۲۴۵

فصل دوم: عدم تقابل در عملکرد بین‌المللی معاصر ۲۵۳

مبحث اول: ملاحظات مبنی بر عدم تقابل در معاهدات حقوق بشری	۲۵۵
گفتار اول - مبنای شکل‌گیری معاهدات مبنی بر عدم تقابل	۲۵۶
الف - تاثیر جهانی شدن بر معاهدات حقوق بشری	۲۵۷
ب - جایگاه معاهدات حقوق بشری در حقوق بین‌الملل: تعارض قالب و کارکرد	۲۶۰
ج - تفاوت ماهوی معاهدات حقوق بشری با دیگر معاهدات بین‌المللی	۲۶۴
۱ - تضعیف ماهیت قراردادی	۲۶۶
۲ - تعدیل عناصر رضایت و تعابل	۲۶۸
۳ - حذف تقابل حقوقی	۲۷۲
د - جالش قالب، هدف یا ساخت در مورد معاهدات حقوق بشری	۲۷۳

۱. رهیافت صورت‌گرا یا فرمالیست ۲۷۳
۲. رهیافت غایت‌گرا ۲۷۵
۳. رهیافت ساختارگرا ۲۷۷
۴. تأکید بر ماهیت متفاوت معاهدات حقوق بشری در رویه نهادهای حقوق بشری ۲۷۹
۵. تعبیر نکرس در معاهدات حقوق بشری: از «قرارداد» به سمت «تعهد» ۲۸۰
۱. الگوی سنتی معاهده به عنوان «قرارداد» ۲۸۳
۲. الگوی جدید موافقتنامه‌های حقوق به عنوان «تعهد» ۲۸۴
۳. بنی معاهدات حقوق بشری به منزله اعلامیه‌هایی یکجانبه از سوی دولت‌ها ۲۸۶
۴. موافقتنامه‌های حقوق بشری، ابزاری برای التزام به ارزش‌های اخلاقی ۲۸۸
۵. التزام اخلاقی به معاهدات حقوق بشری جایگزین التزام مبتنی بر منافع متقابل ۲۹۱
۱. تمایز بین منافع متقابل و فردی با تقویت دکترین «تعهدات عام‌الشمول» ۲۹۲
۲. جایگاه حق معافیت به نفع در موافقتنامه‌های حقوق بشری ۲۹۴
۳. اجرای معاهدات حقوق بشری: تحول در رژیم اجرای سنتی معاهدات ۲۹۶
- ۱- سازش یا تقابل منافع ۲۹۷
- ۲- اقدام متقابل ۳۰۰
- ۳- تخریب سیاست، سازش و پروتو سیاست سرمنده‌سازی ۳۰۲
- ۴- دبفع‌های فردی، ضمانت‌بندی بین‌المللی و اجرای تعهدات ۳۰۴
۵. ارزش تعهدات معاهداتی مبتنی بر هیجانات اخلاقی ۳۰۶
- گفتار دوم: حق شرط بر معاهدات حقوق بشری ۳۰۹
- الف. نظام کلی حق شرط و تطبیق آن بر معاهدات حقوق بشری ۳۱۱
- ب. رویکرد کمیسیون حقوق بین‌الملل به حق شرط بر معاهدات حقوق بشری ۳۱۳
- ج. معیار ارزیابی شروط بر معاهدات حقوق بشری ۳۱۶
- د- تأثیر حق شرط بر عملکرد نظارتی دولت‌ها ۳۲۱
- هـ. حق شرط در رویه نهادهای حقوق بشری ۳۲۳
۱. حق شرط در رویه دیوان آمریکایی حقوق بشر ۳۲۳
۲. رویه دیوان اروپایی حقوق بشر ۳۲۷
۳. رویه کمیته حقوق بشر ۳۲۹
- گفتار سوم: جانشینی در معاهدات حقوق بشری ۳۳۶
- مبحث دوم: ملاحظات مبتنی بر عدم تقابل در معاهدات حقوق بشر دوستانه ۳۴۱

گفتار اول - جایگاه حقوق بشردوستانه در نظام حقوق بین‌الملل	۳۴۳
الف - جایگاه انسان در حقوق بشردوستانه	۳۴۳
ب - حمایت از کرامت انسانی - پیوند حقوق بشر و حقوق بشردوستانه	۳۴۵
گفتار دوم: ماهیت غیر تقابلی برخی موازین حقوق بشردوستانه	۳۴۸
الف - ضرورت نظامی	۳۴۹
ب - اقدامات نلافی جویانه و تقابل در حقوق مخاصمات مسیحانه	۳۵۰
ج - حبس انسانی در مخاصمه مسیحانه	۳۵۳
الف - بازگردان غیردولتی	۳۵۴
گفتار سوم - تقابل و عدم تقابل تعهدات مبتنی بر حقوق بشردوستانه در استناد بین‌المللی	۳۵۵
الف - کنوانسیون‌های ۷ (۱۸۹۹ و ۱۹۰۷)	۳۵۷
ب - کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو	۳۵۸
۱- ماده ۳ مشترک کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو	۳۵۹
۲- سایر مواد کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو	۳۶۵
ج - پروتکل‌های الحاقی (۱۹۷۷)	۳۶۸
د - کنوانسیون حقوق معاهدات ۱۹۶۹ (ماده ۸ و ماده ۶۰)	۳۷۱
گفتار چهارم - برخی تحولات حقوق بین‌الملل بشردوستانه در پرتو حقوق بشر	۳۷۲
الف - اصل تفکیک و ممنوعیت حمله به غیرنظامیان	۳۷۳
ب - اصل تناسب	۳۷۹
ج - تعدیل مفهوم ضرورت نظامی و خسارت تبعی	۳۸۱
د - مفهوم «مبارز» یا «رزمنده» در مخاصمه مسلحانه عبرین‌المللی	۳۸۲
گفتار پنجم - عملکرد دولتی و بین‌المللی موید عدم تقابل در حقوق بشردوستانه	۳۸۳
مبحث سوم: نقض برخی تعهدات بنیادین دولت‌ها در نبرد میان تقابل و عدم تقابل	۳۸۷
گفتار اول - تعهدات انسانی دولت‌ها در مقابله با تروریسم	۳۸۸
الف - حقوق بشر: مرز مقابله با تروریسم	۳۸۸

- ب. لزوم رعایت ملاحظات انسانی غیرمتقابل در مبارزه با تروریسم ۳۹۰
- ۱- حق احترام به حیات و تمامیت جسمانی ۳۹۱
- ۲- شرایط اضطرار عمومی ۳۹۲
- ۳- امنیت انسانی ۳۹۳
- ج. معضل مفهومی تا تئوریک دفاع مشروع در نوجبه جنگ علیه تروریسم ۳۹۴
- گفتار دوم: حقوق بشر و حقوق بشردوستانه، قربانیان اصلی جنگ علیه تروریسم
- ۳۹۹
- الف. ابهام در الگوی جنگ علیه تروریسم ۴۰۰
- ۱- مسئله تبعیض ۴۰۱
- ۲- تفکیک رزمندگان قانونی و غیرقانونی ۴۰۳
- ۳- در میان مبارزه با تروریسم و تکنجه ۴۰۶
- ب. رابطه حقوق بشر و حقوق بشردوستانه در جنگ علیه تروریسم ۴۰۸
- ج. مبارزه با تروریسم در رتبه همکاری در جامعه بین‌المللی ۴۱۴
- مبحث چهارم: نقش سازمان‌های بین‌المللی در تثبیت الگوی غیرمتقابل تعهدات
- حقوق بشری ۴۱۸
- گفتار اول: نقش سازمان‌های بین‌المللی در شکل‌گیری و تثبیت جامعه
- بین‌المللی ۴۱۹
- الف. دگرترین جامعه بین‌المللی ۴۱۹
- ب. از جامعه بین‌المللی تا جامعه حقوق بین‌المللی ۴۲۲
- ج. جایگاه ملل متحد و منشور در این حار حیات ۴۲۴
- ۱- برخی دیدگاه‌ها در مورد پذیرش منشور به عنوان قانون اساسی جامعه
- بین‌المللی ۴۲۴
- ۲- منشور ملل متحد و دولت‌های غیرعضو: جالس تئوریک و نظری ۴۲۸
- گفتار دوم: اقدام سازمان ملل متحد به نمایندگی از «جامعه بین‌المللی» در
- حمایت از عدالت کیفری بین‌المللی ۴۲۹
- الف- مجمع عمومی سازمان ملل متحد ۴۳۰
- ب- شورای امنیت سازمان ملل متحد ۴۳۱
- ۱- تحول صلح و امنیت بین‌المللی امنیت انسانی و امنیت جمعی ۴۳۲
- ۲- بیوند «عدالت کیفری بین‌المللی» و «صلح و امنیت بین‌المللی» ۴۳۳

۳- تعامل شورای امنیت و دیوان بین‌المللی کیفری در عمل: تقویت جهانشمونی	۴۳۴
۴- اختیارات شورای امنیت برای مخاطب قرار دادن اعضای جامعه بین‌المللی اعم از دولتها و اشخاص حقوقی دیگر	۴۳۷
۱- ۴- الزام نیروهای نظامی غیردولتی	۴۳۸
۲- ۴- سازمان‌های بین‌المللی	۴۳۸
۳- ۴- سازمان‌های منطقه‌ای	۴۳۹
۴- ۴- موسسات، شرکت‌های خصوصی و چندملیتی	۴۴۰
۵- ۴- افراد انسانی	۴۴۰
گفتار سوم: نقش سازمان‌های بین‌المللی در تبیین ماهیت غیرتقابلی معاهدات حقوق بشری و اجرای آنها	۴۴۲
الف- مروری بر عملکرد برخی سازمان‌های بین‌المللی	۴۴۳
۱- دیوان بین‌المللی دادگستری	۴۴۳
۲- کمیته حقوق بشر	۴۵۰
۳- کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی	۴۵۳
۴- دیوان آمریکایی حقوق بشر	۴۵۵
۵- کمیسیون اروپایی حقوق بشر	۴۵۵
ب- نقش نهادهای بین‌المللی در نظارت بر ایفای تعهدات حقوق بشری	۴۵۶
۱- ماهیت غیرمتقابل تعهدات حقوق بشری و نظارت بین‌المللی	۴۵۶
۲- تحلیل برخی اقدامات یکجانبه دولتها	۴۶۱
۳- کارآمدی ابزارهای در اختیار سازمان‌های بین‌المللی	۴۶۲
۴- تعهدات حقوق بشری سازمان‌های بین‌المللی	۴۶۴
گفتار چهارم- چشم‌انداز موقعیت نهادهای حقوق بشری در نظام بین‌الملل	۴۶۵
الف- یکبارحد نمودن نهادهای معاهده‌های حقوق بشری	۴۶۸
ب- آینده تأسیس دادگاه جهانی حقوق بشر	۴۶۹
نتیجه‌گیری	۴۷۵
منابع	۴۹۷

پیشگفتار

پروردگارا! تا را سپاس، که با انوار هستی بخش خود ما را از نعمت حیات برخوردار نمایی و در اقیانوس پرتلاطم زندگی، سوار بر کشتی تلاش و اراده، ساحل آرام کمال را به ما نمایانندی. و تو بخشنده‌ای، پس بر ما ستارگان پرفروغ هدایت و رحمت را ارزانی داشتی که در گذر پریب و خم روزگار دستگیرمان باشند. درود و سلام بی‌گمان تو بر آن برگزیدگان پاک.

تعلیم و تعلّم از نعمت‌های الهی و زینت‌های دنیا است که حرکت در مسیر آن، می‌تواند شوق انسان به عالی‌زینت را افزون کند، اگر در راستای تعالی و تکامل افراد بشر و جامعه بشری به کار برفته شود.

پروردگار متعال را شاکرم که در زندگی، نعمت بهره‌مندی از محضر اهل علم و ره‌یویان مسیر تعلیم و تعلّم و امکان آموختن از علم و علّ این انسان‌های بزرگوار را به من ارزانی فرمود، و البته خاضعانه از او می‌خواهم که توفیق شکر این نعمت‌گرانیه‌ها را نیز که همانا بهره‌برداری در مسیر غایت و هدف خلقت بشر است، عطا فرماید.

و اما دم مسیحایی اساتید گرانقدر موجب ثبات قدم و دلگرمی برای تمام نهادان در مسیر علم و معرفت است؛ از همه اساتید بزرگواری که در مراحل مختلف تحصیل و علم‌آموزی، از محضرشان آموختم، قدردانی می‌کنم، خصوصا از استاد محترم جناب آقای دکتر سید قاسم زمانی که حدود ده سال در دوره کارشناسی ارشد و دوره دکتری، زحمات بسیاری بقبل فرمودند و همواره از رهنمودهای ارزشمند و بی‌دریغ خود به عنوان استاد راهنما مرا بهره‌مند

نمودند، بی‌نهایت سیاست‌گذارم، و توفیقات روزافزون ایشان را از پروردگار خواستارم. همچنین از موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهردانش که در عرصه گسترش و اعتلای دانش حقوقی اهتمام شایان توجهی دارند و تاکنون گام‌های موثری برداشته‌اند، سیاست‌گذارم که زمینه را برای چاپ و انتشار این اثر فراهم نمودند.

امیدوارم که این اندک تلاش، مورد استفاده دانشجویان و جامعه حقوقی شهر قرار گیرد، و البته با اشتیاق فراوان از نکاتی که دانشجویان و اساتید محترم در راستای تکمیل و تقویت اثر بفرمایند، استقبال خواهد شد.
دکتر هاله حسینی اکبرنژاد

مقدمه

طی نیم قرن گذشته، توسعه حقوق بین الملل بشر و حقوق بین الملل بشردوستانه به عنوان شاخه‌های حقوق بین الملل حمایت از انسان در همه شرایط (صلح یا جنگ)، عدم تقابل در روابط بین المللی دولت‌ها را موجب گردیده است که البته امر زوایا ر آن حتی در دیگر حوزه‌های حقوق بین الملل مانند حقوق معاهدات، حقوق بین الملل محیط زیست، نظام مسئولیت بین المللی دولت‌ها، مدافعان بشردوستانه و تنوری مسئولیت حمایت و نظام حقوق بین الملل کیفری نیز به وضوح قابل دریافت است. در واقع با تقویت بنیان‌های نظام حقوق بین الملل بشر در چند دهه اخیر، مبنای روابط و مناسبات متقابل میان دولت‌ها به مرور تضعیف گردیده به نحوی که اکنون در رابطه با تعهدات بین المللی دولت‌ها در قبال افراد بشر، سخن از تقابل غیرقابل پذیرش است. بر همین اساس، برخی تحولات مدرن حقوق بین الملل ارکان مبنایی این نظام حقوقی همچون حاکمیت دولت‌ها، برابری حاکمیت‌ها و تقابل را با چالش مواجه نموده‌اند.

تقابل یک عامل تعیین‌کننده در تعامل اجتماعی و اصلی مبنایی برای توسعه و اعمال حقوق است. از نقطه نظر عینی، تقابل در این زمینه به سه رابطه میان دو یا چند دولت تعریف می‌شود که مبتنی بر رفتار مشابه و یا بر است. در نظام‌های حقوق داخلی بسیار پیشرفته، ایده تقابل تا حد زیادی تعدیل و توسط هنجارها یا نهادهای خاص جایگزین شده است. با این وجود، هنوز در نظام‌های حقوقی کمتر سازمان‌یافته یا نهادینه‌شده، مکانیسم‌های مبتنی بر تقابل کارایی دارند. از آنجایی که نظام حقوقی بین المللی فاقد

مکانیسم اجرایی متمرکز و به صورت خودگردان است، تقابل به عنوان یک نیروی سازنده، و تثبیت‌کننده در آن مطرح و اهمیت آن در تنظیم مناسبات و روابط غیرقابل انکار می‌باشد. یا این وجود، تعهدات دولت در نظام بین‌المللی معاصر نه فقط در برابر دولت یا دولت‌های دیگر، بلکه در مقابل افراد انسانی و جامعه بین‌المللی مورد تاکید می‌باشد. همین امر، مناسبات متقابل دولت‌ها را که مبتنی بر منافع و حقوق متقابل آنها بوده، با تحولات عمیقی مواجه نموده تا آنجا که اصل تقابل را به عنوان سنگ بنای حقوق بین‌الملل حداقل در برخی حوزه‌های آن خصوصاً نظام حقوق بین‌الملل بشر متزلزل نموده است و همگام با این تغییر روکرد، برخی بنیان‌های حقوق بین‌الملل کلاسیک همچون اصول حاکمیت دولت، عدم مداخله و برابری حاکمیت‌ها متحول گردیده‌اند.

نکته قابل تأمل در این میان مواجهه دولت‌ها با این تغییر رویکرد و دستاوردهای عملی آن است. شناسایی تعهداتی برای دولت‌ها در قبال افراد بشر فارغ از مناسبات معاهداتی و رسوم میان دولت‌ها، مسئله‌ای است که تا حد زیادی چالش برانگیز می‌باشد چرا که در نظام بین‌المللی همواره در مقابل عوامل تحدیدکننده یا مقیدکننده، حاکمیت مقاومت وجود داشته است. در واقع، از یک سو با مقتضیات مبتنی بر ضرورت زیست جمعی در جامعه بین‌المللی مواجه هستیم و از سوی دیگر، ناچار از توجه به ملاحظات حاکمیت در جهانی می‌باشیم که هنوز دولت به عنوان مهم‌ترین بازیگر فعال در آن شناخته می‌شود. بدین ترتیب در جهت تامین مصالح و منافع مشترک، ضمن ترسیم چارچوب نظام بین‌المللی همسو با آرمان‌های عالی از جمله حمایت و ارضای حقوق افراد انسانی، نباید چشم بر واقعیت‌های جهان دگر بر اختیارات حاکمیتی دولت‌ها فرو بندیم و دشواری و پیچیدگی مسئله دقیقاً از همین نقطه آغاز می‌شود. در همین راستا ضرورت تمرکز بر رویه بین‌المللی دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی بیش از پیش احساس می‌شود.

طی دهه‌های اخیر، مفاهیمی چون «جامعه بین‌المللی» به مرور در ادبیات حقوقی معاصر، ظهور و تکامل یافته‌اند. شناسایی این مفهوم، در نظام حقوق بین‌الملل مدرن آثار مهمی به دنبال داشته و در تعیین چارچوب هنجاری و ساختاری آن نقش مهمی ایفا نموده است. در دهه‌های اخیر، بتدریج جامعه بین‌المللی با منافع و ارزش‌های مشترک، شناسایی و مستحکم شده است و البته در رأس این ارزش‌ها حقوق بشر قرار دارد. به نحوی که حقوق بشر متعلق به افراد انسان در زمره اولین ملاحظات متوجه حاکمیت قرار گرفته که مسئولیت رعایت آن نیز فقط بر عهده دولت‌ها نیست بلکه افراد انسانی، گروه‌ها و سازمان‌های بین‌المللی و سازمان‌های غیردولتی در کلیه سطوح محلی، ملی و بین‌المللی نیز متعهد به رعایت آن هستند.

به این ترتیب علی‌رغم تحولات اخیر، دولت همچنان واحد اساسی در حقوق بین‌الملل عمومی بوده و از همین رو نظام بین‌الدولی ساختار اصلی جامعه جهانی است. با این وجود، این امر حاکمیت است که تحولات کنونی در حقوق بین‌الملل به نحو فزاینده‌ای بر منافع جامعه بین‌المللی در کل، به جای منافع دولت‌ها به طور انفرادی تأکید دارد. مفهوم جامعه بین‌المللی بر تقابل منافع دلالت می‌کند که فراتر از منافع فردی دولت مطرح است و به طور کامل با رهیافت دوجانبه کلاسیک تطابق ندارد. در این مفهوم نچه که یک جامعه را از اجزای آن متمایز می‌سازد، وحدت و یکپارچگی بیشتر است که منافع مشترک را در مقابل منافع خودخواهانه فردی اولویت‌بندی می‌کند. عرصه‌های مختلف به شکل متفاوتی ظهور و بروز دارد و البته عینی‌ترین و بود آن در نظام معاهدات بین‌المللی در رابطه با معاهدات حقوق بشری و البته تا حدودی در معاهدات حقوق بشر دوستانه قابل احراز است.

معاهدات بین‌المللی، به طور سنتی شکلی از قراردادهای خصوصی را به ذهن متبادر می‌سازند که در آن اقدامات طرفین مبتنی بر منافع متقابل آنها

است. در این شرایط پاسخ به نقض معاهده از جانب یک دولت، تعلیق یا لغو اجرای معاهده از سوی یک یا چند دولت دیگر می‌باشد. این رویکرد از این واقعیت ناشی می‌شود که غالباً معاهدات به قصد تبادل منافع طرفین به طور متقابل امضا می‌شوند و تاثیر آن بر دیگر اعضای جامعه بین‌المللی از جمله دولت‌های غیرعضو و افراد انسانی لحاظ نمی‌گردد. در حال حاضر اغلب معاهدات مدرن واجد چنین خصیصه‌ای هستند. اما در برخی شاخه‌های حقوق بین‌الملل شاهد آن هستیم که این الگوی تبادل در روابط معاهده‌ای به طور اساسی متحول گردیده است، از جمله معاهدات حقوق بشری درصدد تامین منافع متقابل دولت‌های عضو نیست بلکه ناظر بر حمایت از حقوق افراد بشر می‌باشد. ماهیت این تعهدات به گونه‌ای است که در صورت نقض آنها از سوی یک دولت، پاسخ در قالب نقض معاهده احراز داده نشده است، زیرا نقض معاهده از سوی دولت مجاز به ورود ضرر به منتفعین واقعی این نوع معاهدات یعنی افراد انسانی می‌شود. در واقع این معاهدات، متضمن اقدامات موازی و مستقل برای احترام به آزادی‌های اخلاقی از قبل ایجاد شده می‌باشند. در رابطه با معاهدات حقوق بشری، به نظر می‌رسد که باید پذیرفت که «فالب» و «کارکرد» در تعارض اساسی یکدیگر قرار دارند. از یک سو، فالبی که حقوق در آن گنجانده شده‌اند - یعنی معاهدات - ذهن متبادر می‌کند که حقوق بشر، صرفاً توافق قراردادی میان دولت‌ها است. از سوی دیگر، از آنجایی که موضوع حقوق بشر، فرد یا گروهی از افراد است، به نظر می‌رسد که این حقوق فراتر از موازین قراردادی و موضوعه، واجد ماهیت طبیعی هستند که به افراد انسانی تعلق دارند.

بر این اساس، معاهدات حقوق بشری: اولاً، تعامل و تجمیع تراضی میان دولت‌هایی نیستند که منافع امنیتی و اقتصادی آنها با یکدیگر متداخل باشد؛ وجه متمایز اصلی این موافقتنامه‌ها آن است که برای تأیید وجود و تعهد به

اجرای هنجارهای اخلاقی از قبل موجود به تصویب رسیده‌اند؛ «تقابل» در این معاهدات عامل اتصال نیست که یک نظام مبتنی بر حقوق را به هم پیوند زند، بلکه عامل اتصال یا پیوند در آنها «تعهد مشترک» به اصول اخلاقی است.

معاهدات حقوق بشری با نگاهی عمیق، در واقع چگونگی رفتار دولت در قبال شهروندان خودش را نظام‌مند می‌کند، و در البته در یک نگاه سطحی، دولت‌های امضاءکننده یک موافقتنامه حقوق بشری ظاهراً تعهدات متقابلی در قبال یکدیگر می‌پذیرند که اقدامات معینی علیه افراد انسانی انجام ندهند. بنابراین مسئله «عدم تقابل» کلید حل معمای معاهدات حقوق بشری است. البته این امر تا حدودی در رابطه با معاهدات حقوق بشردوستانه مانند برخی مفاد کنوانسیون‌های ۱۹۴۸ و پروتکل‌های الحاقی (۱۹۷۷) نیز صدق می‌کند، که در واقع پذیرش کنند بانه تعهدات از سوی دولت‌های ذیربط می‌باشند. با این تفاوت که معاهدات حقوق بشردوستانه دارای ماهیت دوگانه هستند: از یک طرف، متوجه افراد انسانی است و با تعیین حقوق از ایشان حمایت به عمل می‌آورد و از سوی دیگر اصول تعهداتی را برای دولت‌ها مقرر خواهد نمود. با توجه به این وجهه انسانی معاهدات حقوق بشردوستانه دست دولت‌ها در تنظیم روابط بین‌المللی چندان باز نمی‌باشد و دولت‌ها نمی‌توانند به راحتی از ایفای حقوق مقرر در آنها اعراض نمایند چرا که حقوق انسان‌های حمایت شده و حق دولت متبوع آنها، دو تعهد جداگانه بر دولت متعاهد تحمیل می‌کند.

تمایز میان معاهدات حقوق بشری با سایر معاهدات، صرفاً نظری و تئوریک نمی‌باشد؛ بلکه نتایج مهمی در اجرا نیز به دنبال دارد. انگیزه محوری اجرای قرارداد خصوصی و معاهده سنتی، آن است که روابط حقوقی طرفین بر اساس نفع متقابل تعریف می‌شود و همین امر، استمرار معاهده یا قرارداد را موجب می‌گردد. به عبارت دیگر، مهمترین عامل اجرای معاهده، تقابل یا امکان نقض

معاهده توسط یک طرف در پاسخ به نقض طرف دیگر است. البته وقتی موافقتنامه‌های حقوق بشری محل بحث هستند، انگیزه اجرا، بسیار متفاوت می‌باشد. هنگامی که معاهدات حقوق بشری نقض می‌گردند، نقض معاهده توسط دولت‌های دیگر غیرمجاز می‌باشد. و به عبارت دیگر در معاهدات حقوق بشری، معامله به مثل، تهدید موثری به شمار نمی‌رود. و این در حالی است که اجرای اغلب شاخه‌های حقوق از جمله اجرای حقوق مخاصمات مسلحانه، تا حد زیادی مبتنی بر ملاحظات عملی تقابل و بیم از معامله به مثل است.

البته ارتقای شان و کرامت انسانی و لزوم حمایت از انسان به ویژه گروه‌های آسیب‌پذیر در شرایط بحرانی همچون مخاصمات مسلحانه موجب گردیده که ماهیت حقوقی نهادات دولت‌ها در قبال رعایت برخی موازین حقوق بین‌الملل بشردوستانه در هنگام برخورد با حقوق بین‌الملل بشر مورد بازبینی قرار گیرد تا بتوان در پرتو آن حمایت حداکثری، از بشریت حتی در زمان مخاصمات نمود.

با این وجود، مسئله مهم در چنین فضایی که متأثر از امواج متکثر حقوق بشری می‌باشد، در وهله نخست تقویت منشأ التزام دولت‌ها و دیگر اعضای جامعه بین‌المللی به موازین و استانداردهای حقوق بشری و سپس تقویت بنیان‌های نظری و عملی مزبور است. زیرا اگرچه در نظام حقوق بین‌الملل بشر با نوعی تورم هنجاری مواجه هستیم و هر سال با حجم اسناد بین‌المللی مصوب با هدف حمایت حقوق و آزادی‌های افراد انسانی افزوده می‌گردد، اما نقض گسترده حقوق بشر در زمان صلح یا جنگ نیز آشفتگی است که باید بدان ادعان نمود که بنا بر الگوهای متفاوتی در چهار ابعاد، باید و متأسفانه در سال‌های اخیر مبارزه با تروریسم نیز بدان افزوده شده است لذا در چنین شرایطی، قدری تعمق در بنیان‌های حقوق بشری و تقویت آنها لازم است تا بتوان همراهی و همکاری دولت‌ها و سایر بازیگران بین‌المللی را در التزام به

تعهداتی که ذینفع اصلی اجرای آنها افراد انسانی می‌باشند، به نحو مطلوب جلب نمود.

در اینجا نوع نگاهی که به معاهدات حقوق بشری می‌گردد، در تبیین ماهیت متمایز این معاهدات بسیار تعیین‌کننده خواهد بود و ضرورت مطالعه و بررسی مبنایی معاهدات ناظر بر حمایت از انسان (معاهدات حقوق بشری و برخی معاهدات حقوق بشردوستانه) از اینجا آغاز می‌شود. رویه قضایی و شبه قضایی بین‌المللی تاکنون سهم به سزایی در شناسایی و تثبیت ویژگی‌های معاهدات حقوق بشری داشته است، معاهداتی که فراتر از ترتیبات رضایت و اراده دولت‌ها و یا منافع متقابل آنها، در جهت تأمین حقوق و امنیت بشری می‌باشند.

البته امروزه قلمروی این نوع تعهدات دولت‌ها رو به افزایش است و به حوزه‌هایی چون حقوق بین‌الملل محیط زیست، حقوق مسئولیت بین‌المللی، حقوق بین‌الملل کیفری و حقوق مرتبط با مخصمات مسلحانه از جمله مداخله بشردوستانه تسری یافته است. اهمیت بین‌المللی این قبیل تعهدات بین‌المللی که فارغ از ملاحظات متقابل بر دوش دولت‌ها سنگینی می‌کند، آن است که زمینه را برای حضور موثر دولت‌ها و دیگر بازیگران بین‌المللی در ساختن جامعه‌ای مبتنی بر ارزش‌های انسانی فراهم می‌کند و ضمن افزایش پایداری خود به ایفای تعهدات مزبور، مانع از بی‌تفاوتی در بحال نقض‌های ارتكابی از سوی دیگر اعضای جامعه بین‌المللی نخواهد گردید. در واقع با تقویت احساس مسئولیت جهانی، خلا ناشی از فقدان آن را در شرایط کنونی برطرف خواهد نمود.

با این وجود، همچنان چالش‌هایی چون چگونگی تقویت مکانیسم‌های تضمین اجرای تعهدات حقوق بشری، حق شرط دولت‌ها بر معاهدات مزبور، آثار جانمایی دولت‌ها بر اجرای این معاهدات و نیز قلمروی نقش و کارکرد

سازمان‌های بین‌المللی در تنظیم روابط غیرمتقابل دولت‌های عضو مطرح می‌باشد که پاسخ موثر و کارآمد به آنها با گذر میان آرمان‌گرایی و واقع‌گرایی در نظام بین‌المللی معاصر قدری پیچیده خواهد بود.

سوال اصلی این تحقیق عبارت است از اینکه جایگاه تقابل به عنوان یکی از ارکان حقوق بین‌الملل کلاسیک، در تبیین ماهیت تعهدات بین‌المللی دولت‌ها منبعت از مقتضیات جامعه بین‌المللی معاصر در قبال احترام، تضمین و اجرای حقوق بین‌الملل بشر چه می‌باشد؟

و اما برخی سوالات دیگر که حول سوال اصلی مطرح است این می‌باشد که: عدم تقابل چگونه ارکان نظری حقوق بین‌الملل کلاسیک و مناسبات مبتنی بر آنها را تحلیل نموده است؟

معاهدات حاوی تعهداتی در قبال افراد بشر و با ماهیتی غیرمتقابل، واجد چه ویژگی‌هایی هستند؟

آثار حقوقی و تبعات عملی عدم رعایت تقابل در باره‌ای معاهدات بین‌المللی چه خواهد بود؟

عدم تقابل در مناسبات دولت‌ها، علاوه بر حقوق بین‌الملل بشر در چه حوزه‌های دیگری از حقوق بین‌الملل نمود پیدا کرده است؟
چه رابطه‌ای میان شخصیت حقوقی جامعه بین‌المللی و عدم تقابل وجود دارد؟

همایفت عدم تقابل چگونه در تضمین بیشتر اجرای فوائد حقوق بین‌الملل بشر و حمایت از ارزش‌های بنیادین بشری نقش موثری ایفا می‌کند؟

فرضیه اصلی این تحقیق عبارت است از اینکه جایگاه تقابل به عنوان یکی از ارکان حقوق بین‌الملل کلاسیک، در تبیین ماهیت تعهدات بین‌المللی دولت‌ها در نظام حقوق بین‌الملل بشر ترنل نموده است.

و اما برخی فرضیات فرعی که مطرح می‌باشند، عبارتند از:

عدم تقابل، برخی بنیان‌های حقوق بین‌الملل همچون حاکمیت و عدم مداخله را تعدیل و متحول نموده است و این تحول از تمرکز بر تبادل و تقابل منافع فردی، به سوی تعهد در قبال جامعه بین‌المللی تبیین می‌گردد.

از آنجایی که ذینفع اصلی در معاهدات حقوق بشری، افراد انسانی و نه دولت‌ها هستند، لذا معاهدات مزبور فراتر از شبکه‌ای متشکل از ارتباطات متقابل دولت‌ها تعریف می‌گردد.

عدم تقابل در معاهدات حقوق بشری، دارای آثار عملی در زمینه‌های عضویت، اجرا و نظارت، اجرای آنها می‌باشد و از برخی نهادها به عنوان نهادهای مکمل در تضمین اجرای حقوق بشر مدد گرفته می‌شود.

این تحقیق در ۲ فصل تنظیم شده است که فصل اول به بررسی مبانی نظری عدم التزام در نظام بین‌الملل و فصل دوم به عدم تقابل در عملکرد بین‌المللی معاصر خواهد پرداخت. تفکیک در مبحث نظری و عملی، شیوه‌ای است که در ادبیات حقوق بین‌الملل مرسوم می‌باشد و در رابطه با موضوع عدم تقابل با توجه به طرح مبانی نظری عمیق در مورد آن و نیز وجود آثار و دستاوردهای عملی مطلق به نظر می‌رسد. البته در اینجا باید اذعان نمود که تفکیک دقیق مباحث به دو بخش نظری و عملی در بسیاری موضوعات حقوق بین‌الملل قدری دشوار است چرا که امر در مطالعه عمیق، جزء لاینفک بررسی مباحث حقوق بین‌الملل به نظر می‌رسد. با این حال، در این کتاب تلاش شده تا حد امکان مباحثی که جنبه نظری آنها غالب می‌باشد در فصل اول، و عملکرد دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی و رویه قضایی بین‌الدول در فصل دوم بررسی گردد.

فصل اول، در سه مبحث به تبیین مبانی نظری عدم تقابل در نظام بین‌المللی خواهد پرداخت. در مبحث اول، حقوق بین‌الملل از منظر تبادل یا غیر تبادل بودن بررسی می‌گردد که البته لازمه آن تعیین جایگاه تقابل در

روند شکل‌گیری و تکامل حقوق بین‌الملل و منابع آن از جمله عرف، معاهده، اصول کلی حقوقی و اعمال یکجانبه است. همچنین به مناسبات عدم تقابل با ارکان منایی حقوق بین‌الملل کلاسیک همچون حاکمیت، عدم مداخله و برابری حاکمیت‌ها می‌پردازد، چرا که عدم تقابل، برداشت سنتی از بنیان‌های مذکور را با چالش مواجه نموده و برداشت‌های نوینی از اصول مزبور را طلب نموده است. تاثیر انسانی شدن حقوق بین‌الملل بر نظام مبتنی بر تقابل منافع دولت‌ها تاثیر بسزایی داشته و به لحاظ تئوری با مفهوم نوظهور جامعه بین‌المللی پیوندی محکم دارد. در واقع مفهوم جامعه بین‌المللی و روند رو به تکامل آن، دیگر مبانی نظری مهم عدم تقابل می‌باشد که جهت‌گیری تعهدات بین‌المللی دولت‌ها را از تمرکز صرف بر منافع فردی متقابل به سوی تعهدات در قبال جامعه بین‌المللی در کل متحول کرده و البته حقوق بین‌الملل بشر به عنوان حقوق بین‌الملل حمایت از انسان و نه دولت، در این زمینه نقش موثری داشته است که واحدهای بنیادی منحصر به فردی می‌باشد. مبحث دوم، به تناسبات تعهداتی در قبال افراد است. به عنوان نقطه اوج عدم التزام به تقابل در نظام بین‌المللی خواهد پرداخت که در ضمن آن به برخی ویژگی‌ها و مقتضیات رژیم حقوق بشر اشاره می‌گردد. عدم تقابل در برخی حوزه‌های حقوق بین‌الملل معاصر نمود بیشتری داشته است، که در مبحث سوم به مواردی چون حقوق بین‌الملل محیط زیست، حقوق مسئولیت بین‌المللی، مداخله بشردوستانه و تئوری مسئولیت حمایت و نیز نظام حقوق بین‌الملل کیفری پرداخته خواهد شد.

ارزبانی عدم تقابل در عملکرد بین‌المللی معاصر، در فصل سوم مورد بررسی قرار خواهد گرفت. ملاحظات مبتنی بر عدم تقابل در معاهدات حقوق بشری از اهمیت بالایی برخوردار است که از جمله شامل مبنای شکل‌گیری این معاهدات و ماهیت تعهدات مندرج در آنها، حق شرط و جانشینی در معاهدات

حقوق بشری می‌گردد و در مبحث اول، به تفصیل مورد توجه قرار می‌گیرند. مبحث دوم، به جایگاه عدم تقابل در نظام حقوق بشردوستانه و معاهدات آن، می‌پردازد. ماهیت تعهدات دولت‌ها در معاهدات حقوق بشردوستانه در برتو ضرورت حمایت از انسان‌ها در وضعیت مخاصمات مسلحانه، دستخوش تحولانی گردیده است به نحوی که امروز حداقل در مورد بخشی از تعهدات دولت‌ها در التزام به موازنه حقوق بشردوستانه، سخن از عدم تقابل زده می‌شود و در رویه بین‌المللی نیز چنین رویکردی مورد تصریح قرار گرفته است. با این وجود، نمی‌توان به راحتی تناقضات، بنیادین حقوق بشر و حقوق بشردوستانه را انکار نمود. اما آنچه در عمل، موجب بروز چالش گردیده، نقض برخی تعهدات بنیادین دولت‌ها در سال‌های اخیر است. در نبرد میان تقابل و عدم تقابل است که خصوصاً در عرصه مقابله با تروریسم به طور جدی مطرح می‌باشد و در مبحث سوم مورد بررسی قرار می‌گیرد. علاوه بر این، نقش سازمان‌های بین‌المللی در تثبیت الگوی غیرمتقابل تعهدات حقوق بشری در بحث چهارم خواهد آمد که از منظر شکل‌گیری و تثبیت جامعه بین‌المللی جایگاه ملل متحد و منشور در این چارچوب ساختاری قابل تحلیل است. همچنین نقش سازمان‌های بین‌المللی یا ارکان آنها در تبیین ماهیت غیرتقابلی تعهدات حقوق بشری و نظارت بر ایفای تعهدات حقوق بشری به عنوان بخشی از عملکرد بین‌المللی معاصر مورد بررسی قرار خواهد گرفت.